

نقدی بر بخش تاریخ ادبیات کتب علوم و فنون ادبی و ارائه طرحی نو برای تدوین مجدد آن (بر اساس دو رویکرد ژانر و جریان‌شناسی)

امیرحسین جلیلیان^۱ - *حسن شامرادی^۲ - نصرالدین عبدالله‌زاده^۳

۱. دانشجوی کارشناسی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مقصودی، همدان، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، اراک، تهران. (نویسنده مسئول) رایانامه: sh@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله (۹۹-۱۱۲)

نوع مقاله:	مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:	۱۴۰۲/۰۷/۱۷
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۲/۱۰/۱۱
واژه‌های کلیدی:	تاریخ ادبیات جریان‌شناسی نقد توازن فنون ادبی
کتاب علوم و فنون ادبی یک منبع اختصاصی برای تدریس ادبیات فارسی در دوره متوسطه دوم برای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی است. بخش تاریخ ادبیات به عنوان بخش آغازین این کتاب یکی از مهمترین درس‌هایی است که دانش‌آموزان بعضاً به دلیل حجم بالا و شباهت بین برخی مطالب و حفظی بودن درس زیاد میل به یادگیری آن ندارند و عموماً از خواندن آن سر باز می‌زنند. مؤلفان کتاب حاضر علی‌رغم ساده‌سازی و کاهش حجم آن نسبت به کتاب تاریخ ادبیات نظام قدیم برخی از مسائل مهم را رعایت نکرده‌اند و همین امر موجب شده تا کتاب از نظر ساختاری، محتوایی، علمی و معنایی مورد نقد قرار بگیرد. بررسی و نگارش مجدد کتاب بر اساس دو رویکرد ژانر یا نوع ادبی و جریان‌شناسی، روشی است که می‌تواند علاوه بر سهولت یادگیری مطالب تاریخ ادبی برای دانش‌آموزان و مدرسان مطالب مفیدی را نیز ارائه دهد. روشی که تا کنون بر بخش تاریخ ادبیات فارسی کتب درسی حاکم بوده بیشتر به زندگی‌نامه و نام بردن آثار شاعران و نویسندگان می‌پردازد و بعضاً مطالبی را که اهمیت و فایده چندانی ندارند مطرح کرده‌است. هدف این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای تدوین شده، تحلیل و نقد بخش تاریخ ادبیات هر یک از کتب سه‌گانه علوم و فنون ادبی به طور مجزا و ارائه طراحی پیشنهادی تاریخ ادبیات فارسی بر اساس دو رویکرد ژانر (پیش از اسلام تا قرن دوازدهم) و جریان‌شناسی (دوران معاصر) است که یکی از بهترین روش‌های تدوین مجدد کتاب برای رفع مشکلات فعلی آن است. در این مقاله ابتدا به بررسی، تحلیل و نقد محتوای بخش‌های تاریخ ادبیات کتب علوم و فنون ادبی پرداخته، سپس پیشنهادی برای تدوین مجدد آن با رویکرد ژانری و جریان‌شناسی ارائه می‌گردد.	

۱. مقدمه

تدریس تاریخ ادبیات فارسی از آغاز تشکیل مراکز علمی در کشور موضوع مهمی بوده است. منابع تدریس این علم در نظام مکتب‌خانه‌ای ایران قطعاً تذکره‌هایی بوده‌اند که به شرح زندگانی شاعران و نویسندگان مختلف از قرن سوم هجری تا قرن دوازدهم پرداخته‌اند و عاری از شایعات، جعلیات و انتساب‌های نادرست نیز نبوده‌اند. رفته‌رفته با تأسیس مدارس و دانشگاه‌های مختلف و ایجاد تنوع و تجدد در مراکز علمی توجه به تاریخ ادبیات نویسی برای بررسی علمی آثار شاعران و نویسندگان مختلف بیشتر شد و مرحوم جلال‌الدین همایی ضمن تدوین کتاب تاریخ ادبیات بخشی از آن را برای دوره متوسطه تحت عنوان «کتاب درسی تاریخ ادبیات ایران» تألیف کرد. پس از آن در نظام تدریس موسوم به نظام قدیم (۳-۴-۵) دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر عبدالحسین فرزاد هرکدام به ترتیب وظیفه تألیف تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان را برعهده داشتند. هم‌اکنون نیز در نظام درسی جدید (۳-۳-۶) مؤلفان متعددی دست به نگارش کتب جدید التألیفی به نام علوم و فنون ادبی زده‌اند که بخش ابتدایی هرکدام به تاریخ ادبیات فارسی تعلق دارد و می‌توان آن را چکیده‌ای از کتب تاریخ ادبیات موجود و همچنین کتاب‌های درسی پیشین دانست که ضمن پویایی و جامعی دارای اشکالاتی است که در این مقاله نقد و بررسی خواهد شد.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

خشک بودن و جنبه حفظی تاریخ ادبیات همیشه دغدغه‌ای برای دانش‌آموزان بوده و اغراق نیست اگر بگوییم مابین علوم مختلف ادبی، تاریخ ادبیات از باقی علوم بین کسانی که مشغول تحصیل هستند یا فارغ‌التحصیل شده‌اند منفورترین مبحث است. بارم بخش تاریخ ادبیات در آزمون پایانی علوم و فنون ادبی، ۲ نمره و در آزمون سراسری، ۷ الی ۸ سؤال است که عموماً داوطلبان از پاسخگویی آن به دلایل مختلف امتناع می‌کنند. شاید دانشجویان کارشناسی زبان و ادبیات فارسی نیز هنگام گذراندن واحد درسی تاریخ ادبیات فارسی اگر منبعشان کتاب حجیم تاریخ ادبیات ایران مرحوم صفا باشد نیز زیاد از مطالب این درس لذت نبرند. تقسیم‌بندی مطالب تاریخی-ادبی بر اساس دو رویکرد ژانر و جریان‌شناسی (برای ادبیات معاصر) می‌تواند تا حدودی این خشکی و تلخی را کاهش دهد.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

تحلیل محتوای کتب درسی یکی از مسائلی مهم و قابل تامل در حیطه پژوهشی است و آسیب‌شناسی و تمرکز بر ارائه راهکارهای مفید، می‌تواند تاثیر بسزایی در اصلاح تالیفات گذشته و نوآوری‌های دانش‌ورانه در تالیفات بعدی این کتب و به تبع آن ایجاد انگیزه در محصلین و دانشجویان، ایجاد علاقه به کاوش درباره علوم و فنون ادبی و سایر رشته‌های تحصیلی و تربیت نسلی موفق داشته باشد. اهمیت و ضرورت غیرقابل انکار این نوع مطالعات و پژوهش‌ها، بررسی و واکاوی عیوب تقسیم‌بندی فعلی، پیشنهاد تقسیم‌بندی جدید و نقد کتب درسی است و در این پژوهش نقدی بر بخش تاریخ ادبیات کتب علوم و فنون ادبی رفته و ارائه طرحی نو برای تدوین مجدد آن مورد نظر است.

۳-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه نقد و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی در سال‌های اخیر مقالات و حتی پایان‌نامه‌های بسیاری نوشته شده اما از جهت اینکه اختصاصاً به نقد بخش تاریخ ادبیات و ارائه طرحی نو برای ویرایش آن پرداخته شده باشد مقاله‌ای یافت نشد و از این جهت این مقاله به موضوعی جدید و پژوهش نشده می‌پردازد. از مقالات و پایان‌نامه‌های ذکر شده می‌توان موارد زیر را نام برد: زهرا خانپور (۱۴۰۱) «تحلیل و بررسی ویرایشی کتاب‌های درسی علوم و فنون ادبی دوم متوسطه»؛ مینا صحاف‌امین (۱۳۹۷) «نقد و بررسی کتاب علوم و فنون ادبی (۲) از نظر محتوا و عناصر برنامه درسی»؛ محمود طیب و سیما بیگ‌نژاد (۱۳۹۷) «نقد و تحلیل ساختاری و محتوایی کتاب علوم و فنون ادبی یازدهم»؛ غلامرضا شمس‌ی (۱۳۹۶) «نقد و بررسی رویکرد علمی و انسجام معنایی کتاب درس علوم و فنون ادبی (۱)»

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مبانی نظری

۲-۱-۱. نظریه و تاریخچه تاریخ ادبیات

به سبب علاقه عامه مردم به تاریخ و مسائل تاریخی برای شناخت گذشته جهان و یا کشور خود در اکثر ادوار شاهد گرایش و تألیف آثار آثاری هستیم که وقایع گذشته را به تصویر کشیده‌اند. در نگاه کلی منابع تاریخی از ابتدا تا کنون را به چند دسته مختلف تقسیم می‌کنند. از آنها می‌توان به تاریخ‌های عمومی؛ سلسله‌ای؛ محلی؛ تک‌نگاری و... اشاره کرد. تاریخ ادبیات را

می‌توان یک علم بینارشته‌ای معرفی کرد که علاوه بر وقایع اجتماعی مؤثر بر ادبیات هریک از ادوار تاریخی و ادبی به بررسی آثار و حتی شرح حال شاعران و نویسندگان می‌پردازد. مباحث نظری در تاریخ ادبیات شامل موضوعات متفاوتی از قبیل رابطه تاریخ و ادبیات، ماهیت تاریخ ادبیات، وظیفه و هدف تاریخ ادبیات، موضوع و قلمرو آن، نسبت تاریخ ادبی با تاریخ عمومی، دوره‌بندی در تاریخ ادبیات، ارتباط تاریخ ادبی با نقد ادبی و دیگر دانش‌های ادبی سبک‌شناسی و بلاغت و... می‌شود؛ که از آنها با نام «نظریه تاریخ ادبی» یاد می‌کنیم. (فتوحی؛ ۱۳۸۷: ۳۵-۳۶)

تذکره‌های گوناگون ادبی را می‌توان نمونه‌های نخستین تاریخ ادبیات به حساب آورد با این تفاوت که در تاریخ ادبیات سیر تاریخی معرفی شاعران و نویسندگان رعایت شده و وقایع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مؤثر بر ادبیات جامعه بیان می‌شود اما در تذکره‌های فارسی مسأله تسلسل تاریخی، روایت زمانی و سیر تحول و تکامل تاریخی اصلاً لحاظ نمی‌شده. (همان: ۴۳)

در واقع می‌توان گفت آنچه امروزه به عنوان تاریخ ادبیات می‌شناسیم محصول دوره معاصر است. از نمونه‌های برتر تاریخ ادبیات می‌توان کتاب هشت جلدی تاریخ در ایران و در قلمرو زبان فارسی تألیف مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا - پدر تاریخ ادبیات ایران - را نام برد که با رویکردی نقادانه به بررسی ابعاد سبک‌شناختی و جامعه‌شناختی شعر و نثر فارسی از دوران اسلامی تا میانه قرن دوازدهم می‌پردازد. البته این مجموعه اگرچه برترین اثر میان کتب تاریخ ادبیات است اما اولین کتاب نیست. ادوارد براون، ایران‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی پیش از صفا کتاب تاریخ ادبی ایران را به زبان انگلیسی نوشت که به ترتیب جلد اول (از قدیمی‌ترین ایام تا عصر فردوسی) را علی‌پاشا صالح؛ جلد دوم (از فردوسی تا سعدی) را فتح‌الله مجتبیایی و غلامحسین صدری؛ جلد سوم (از سعدی تا جامی) را علی‌اصغر حکمت؛ جلد چهارم (از آغاز عصر صفوی تا زمان حاضر) را غلامرضا رشید یاسمی به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. (بساک؛ ۱۴۰۱: ۷۹-۷۸)

از آثار دیگر می‌توان به تاریخ مختصر ادبی و تاریخ ادبیات ایران اثر جلال‌الدین همایی نام برد که توسط فرزندشان ایراندخت همایی گردآوری شده و شامل تاریخ ادبی ایران از پیش از اسلام تا قرن سیزدهم است و از ویژگی‌های آن می‌توان به روانی و شیوایی و سادگی، اختصار، صحت و اصالت مطالب و حفظ امانت در نقل آنها اشاره کرد. (همایی؛ ۱۳۷۵: ۹)

در میان آثار مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر کتابی با نام تاریخ ادبیات ایران می‌درخشد که تاریخ ادبیات ایران از بعد اسلام تا پایان تیموریان را شامل می‌شود. از منابع ارزشمند و نوین تاریخ ادبیات در سال‌های اخیر می‌توان به کتاب چهارجلدی تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی تألیف سید مهدی زرقانی اشاره کرد. وی در این اثر به بررسی ابعاد و آثار تاریخی با

رویکرد ژانری می‌پردازد. درباره تاریخ ادبیات دوران معاصر نیز حرف بسیار است و این بخش نیز همچون تاریخ ادبیات قرون پیش از اسلام تا قرن دوازدهم دارای تاریخچه‌ای طولانی است اما بهترین تقسیم‌بندی تاریخ ادبی دوران معاصر بر اساس جریان‌های شعری است که بخشی از موضوع این مقاله است.

۲-۱-۲. بررسی مفهوم نظریه ژانر

ژانر را می‌توان از طرق مختلفی تعریف کرد؛ اگر با رویکرد زبان‌شناسانه مثل تودوروف به ژانر نگاه کنیم می‌توانیم آن را یک طبقه از متون بدانیم یا اگر مانند ژاک دریدار به قضیه بنگریم باید این تعریف را برای ژانر ارائه دهیم: «یک چهارچوب کنترل‌کننده مفید که متون در شکل‌گیری آن مشارکت دارند اما متعلق به آن نیستند و قوانین ژانر مانند دیگر قوانین تلاشی اختیاری و سنجیده برای «تحمیل نظم» بر چیزی است که در نهایت نامعین و «نظم‌گریز» است. همچنین دریدا ژانر را به عنوان یک ابزار فهم و تفسیر متن نیز تعریف می‌کند. (زرقانی و قربان‌صباغ؛ ۱۳۹۹: ۲۸۸-۲۹۴) زرقانی می‌نویسد: «تعدادی از متون است که در یک طبقه قرار می‌گیرند و از قواعد زبانی یکسان تبعیت می‌کنند.» (زرقانی؛ ۱۴۰۰: ۸) معیار ما در طبقه‌بندی ژانری آثار وجه غالب است زیرا هیچ اثری از یک ژانر واحد پیروی نمی‌کند. (همان: ۱۱) ژانر را به چهار دسته مستقل، ضمنی، ترکیبی و تلفیقی تقسیم می‌کنند. (همان: ۱۲-۱۱)

۲-۱-۳. بررسی مفهوم جریان‌شناسی

در فرهنگ لغات مختلف معانی متفاوتی برای جریان ذکر شده‌است. فی‌المثل محمد معین ذیل این واژه می‌نویسد: روان شدن (آب و هر چیز مانند آن)، واقع شدن امری، دست به دست شدن پول. فرهنگ عمید این معانی را برای جریان ذکر می‌کند: روان شدن آب یا هر چیز مانند آن، (اسم) [مجازاً] رویداد، حادثه، ماجرا، (اسم) [مجازاً] فرایند، (اسم) [مجازاً] موضوع، (اقتصاد) گردش و دست به دست شدن پول. حسین‌پور چافی در کتاب جریان‌های شعری معاصر فارسی می‌نویسد: «درباره مفهوم «جریان» همان‌گونه که بیان شد تا کنون تحقیقی صورت نگرفته و تعریفی ارائه نشده‌است؛ چرا که این اصطلاح دیری نیست که در ادب فارسی رایج شده‌است. (حسین‌پور چافی؛ ۱۳۹۰: ۴۴) یا در کتاب جریان‌شناسی شعر معاصر ایران آمده‌است: ««جریان»، اصطلاح یا مفهومی است که در دوره‌های اخیر وارد متن فارسی و نقد ادبی شده است. اگر به اصطلاح یا مفاهیمی که در ادبیات فارسی و حوزه نقد ادبی وجود دارد نگاه کنیم، در می‌یابیم که آنها دارای تعریف و چارچوب خاصی هستند. به عنوان مثال از دو

واژه «مکتب» و «سبک» نام می‌بریم.» (عالی‌عباس‌آباد و سلیمانی؛ ۱۳۹۰: ۱۳) و بعد هر دو به تعریف و تفاوت سبک و مکتب می‌پردازند که امری صحیح است و در اصل این دو متفاوت هستند. سبک و مکتب چهار تفاوت عمده با همدیگر دارند که عبارتند از: سبک علاوه بر جنبه عمومی یک جنبه شخصی نیز دارد به عنوان مثال سبک عراقی یک سبک عمومی است و شاعران زیادی طبق این سبک شعر سروده‌اند اما همانان علاوه بر این سبک، یک سبک شخصی نیز داشته‌اند به عنوان مثال سبک عراقی سعدی با سبک عراقی حافظ قطعاً متفاوت است اما مکتب فقط جنبه عمومی دارد و نمی‌توان جنبه شخصی برای آن در نظر گرفت؛ // سبک محدوده مکانی مشخص دارد مثلاً محدوده مکانی سبک خراسانی، خراسان بزرگ (خراسان کنونی و افغانستان و تاجیکستان، ماوراءالنهر و ترکستان) بوده اما مکاتب ادبی بین‌المللی هستند و محدوده مکانی خاصی برای آنها نمی‌توان در نظر گرفت؛ // سبک محدودیت زمانی دارد یعنی دارای آغاز و انجام است آغاز یک سبک یعنی زمان پیدایش آن و انجام آن مصادف است با به وجود آمدن سبک جدید فی‌المثل با آمدن سبک عراقی، سبک خراسانی با پایان می‌رسد اما برای مکتب نمی‌توان آغاز و انجامی در نظر گرفت یعنی از زمان پیدایش نوع ادبی و خط و ایضاً صنعت نگارش و تألیف کتب مختلف تا ابد مکاتب ادبی وجود دارند لازم به ذکر است پیدایش یک مکتب در یک زمان خاص به معنای این نیست که پیش از آن وجود نداشته‌است بلکه به معنی کشف آن است از این جهت می‌توان گفت مکتب محدودیت زمانی ندارد همواره بوده و هست؛ // و آخرین تفاوت سبک و مکتب از لحاظ زبان و محدودیت زبانی است سبکی که در منطقه خاصی به وجود آمده باشد تنها گویشوران زبان مورد نظر می‌توانند از آن استفاده کنند ولی مکتب این محدودیت را ندارد و فی‌المثل می‌توان از مکتب ادبی کلاسیسم در هر زبانی بهره برد و استفاده کرد.

نکاتی که ذکر شد تفاوت مکتب و سبک بود اما درباره جریان شناسی باید گفت که نه به طور مطلق سبک و مکتب است و نه به طور محض خالی از آن جریان‌های ادبی ذکر شده در کتب مختلف هم بر اساس سبک نامگذاری شده‌اند هم بر اساس مکاتب ادبی و آنچه جریان شناسی را از سبک و مکتب متمایز می‌کند میزان شیوع و نوآوری نوشتاری است.

۲-۲. نقد

۲-۲-۱. تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی

یکی از مسائل مهم در کتاب‌های درسی توازن است. چنانکه حسن آقابابایی در مقاله اصول راهنمای کیفیت بخشی به تولید و تدوین کتاب‌های درسی می‌نویسد: «ترتیب قرار گرفتن

نمایه‌ها مناسب باشد و از فرایندی تکاملی پیروی کند. همچنین روندی متعادل و متوازن بین متن و تصویرها وجود داشته باشد.» (آقابابایی؛ ۱۳۹۹/ ش ۳: ۶) در مقدمه کتاب‌های علوم و فنون ادبی آمده است که: «کتاب‌های پایه دهم و یازدهم و دوازدهم، از چهار فصل تشکیل شده‌است. محتوای هر فصل نیز شامل سه درس به صورت ترکیبی از علوم و فنون ادبی به شرح زیر است: درس یکم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، درس دوم: موسیقی شعر، درس سوم: زیبایی‌شناسی شعر و نثر (آرایه‌های ادبی).» (علوم و فنون ادبی؛ ۱: ۱۴۰۲: ۷) اما کتاب علوم و فنون ادبی (۱) در بخش تاریخ ادبیات فارسی از این توازن محروم است. درس یکم این کتاب درباره مبانی تحلیل متن است و بی‌شک بحث مهمی است اما مؤلفان می‌توانستند یک درس دیگر تحت عنوان پیش مقدمه به کتاب اضافه کنند و مانند کتاب‌های دیگر درس یکم این جلد از کتب سه گانه ادبیات تخصصی را با مبحث تاریخ ادبیات شروع کنند. علوم و فنون ادبی علیرغم پرداختن به تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام تا قرن ششم هجری دو مشکل اساسی دارد. اول اینکه درس چهارم این کتاب فقط به نام بردن برخی از شاعران دوره صفاری و سامانی و غزنوی اکتفا کرده‌است و همچون مجلدهای بعدی کتاب مفصل و طی بخشی جداگانه به آنها پرداخته‌است. از این جهت در حق شاعران بزرگی همچون رودکی، عنصری، فردوسی، منوچهری، خیام، مسعود سعد سلمان و... اجحافی بزرگ شده‌است؛ با وجود اینکه می‌دانیم این بزرگان هر کدام به تنهایی بخش عظیمی از تاریخ ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهند. نکته دیگر درباره درس چهارم این کتاب که سال‌ها به چشم می‌خورد وجود یک غلط تاریخی - و شاید هم نگارشی - بود. در صفحه ۴۰ کتاب در چاپ‌های قبلی این جمله آمده: «پس از برافتادن سامانیان، طاهریان نخستین دولت اسلامی ایران بودند.» (همان: ۴۰) که پس از بازنگری در چاپ‌های اخیر واژه «سامانیان» اصلاح شد و «ساسانیان» جایگزین آن شد. نقد دیگری که بر بخش تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی (۱) وارد است خلط مبحث است. واضح است که در کتب سه گانه علوم و فنون ادبی دروس اول و هفتم مخصوص تاریخ ادبیات است و دروس چهارم و دهم برای سبک‌شناسی بخش‌هایی که تاریخ ادبیات آن‌ها در دروس قبلی بیان شده‌است؛ اما در فصل دهم این مباحث با هم ادغام شده‌اند. علاوه بر آن مشکلی را که برای درس نخست مطرح کریم می‌توان برای این درس نیز بیان کرد یعنی به شاعران قرن پنجم و ششم هجری چون دو جلد دیگر کتاب جداگانه پرداخت نشده‌است. از این رو کتاب از توضیح درباره شاعرانی همچون سنایی، انوری، جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، نظامی گنجوی، خاقانی و... خالی است.

درس اول: تاریخ ادبیات فارسی پیش از اسلام									
اطلاعات زیادی در دسترس نیست									شعر
اندرزنامه	کتیبه	قصه	نامه	عاشقانه	حماسی	مناظره	فابل	مذهبی	نثر
درس چهارم: تاریخ ادبیات فارسی از قرن سوم تا ششم									
مثنوی			دوبیتی		رباعی	غزل	قصیده	حماسی	شعر
تشریحی		عاشقانه							
تذکره	تاریخ	مقامات	علمی	عرفان	حکمت	تفسیر	لغت‌نامه	تاریخی	نثر

جدول «۱» - طرح پیشنهادی بخش تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی (۱)

۲-۲-۲. نقد تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی (۲)

توازن‌ی که در کتاب علوم و فنون ادبی (۱) بین دروس نبود در این جلد رعایت شده اما همچنان بر دو بخش تاریخ ادبیات این جلد نیز نقدهایی وارد است. در نخستین درس کتاب یعنی تاریخ ادبیات در قرن‌های هفتم و هشتم و نهم درباره سبک آذربایجانی سخن به میان آمده، مؤلفان در کتاب مذکور این جملات را آورده‌اند: «سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های اولیه هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه‌های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کمکم «سبک عراقی» پدید آمد.» (علوم و فنون ادبی ۲؛ ۱۴۰۲: ۱۲) حال آنکه در جلد قبلی کتاب اشاره مستقیمی به سبک آذربایجانی نشده است. در علوم و فنون ادبی (۱) این متن ذکر شده است: «در همان حال که شاعران خراسان و سیستان سرگرم رونق بخشی سبک تازه بودند، در شمال غرب ایران دسته‌ای از شاعران ظهور کردند که کار آنان در ادب فارسی، تازگی داشت. این دسته که شاعران معروف آذربایجان (خاقانی، نظامی و...) بودند، سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آنان رایج بود، متمایز ساختند.» (علوم و فنون ادبی ۱؛ ۱۴۰۲: ۸۱) که شاعران معروف آذربایجان توضیح دقیق و جامعی برای سبک آذربایجانی نیست. مشکل بعدی

پرداختن جزئی به شاعران بزرگی همچون عطار نیشابوری و کمال‌الدین اصفهانی است. در درس هفتم این کتاب یعنی؛ تاریخ ادبیات قرن های دهم و یازدهم بحث عدم توازن همچنان دیده می‌شود. اگر مطالب این درس طبق نظریه ژانر بیان می‌شدند امکان معرفی تعداد بیشتری از شاعران و نویسندگان وجود داشت. مسئله دیگر شعرگرایی در این بخش از کتاب است به این معنا که به نثر قرن‌های دهم و یازدهم پرداخته نشده و آنها در فصل بعدی معرفی و دسته‌بندی شده‌اند. یکی از بهترین تقسیم‌بندی‌های مبتنی بر ژانر برای تاریخ ادبیات در بخش سبک‌شناسی برای نویسندگان قرن‌های دهم و یازدهم آمده است مؤلفان این بخش را بر اساس کتاب سبک‌شناسی نثر سیروس شمیسا آورده‌اند اما بنظر جایگاه اصلی آن باید در تاریخ ادبیات باشد و بعد تقسیم بندی آن بر اساس نثر مرسل، بینابین و مصنوع در بخش سبک‌شناسی آورده‌شود.

درس اول: تاریخ ادبیات فارسی در قرن های هفتم و هشتم و نهم						
شعر	قصیده	غزل			داستان‌سرایی و قصه‌گویی	خمسه
		عارفانه	عاشقانه	تلفیقی		
نثر	تذکره	منشآت		تاریخی	لغت‌نامه	کتب عرفانی
درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن های دهم و یازدهم						
شعر	مکتب وقوع و واسوخت	طرز قدما	طرز نازک‌خیالی	طرز خیال پیچیده	شعر شیعی	
نثر	تاریخی	تذکره نویسی	رمان	فرهنگ نویسی	کتب مذهبی	ترجمه

جدول «۲» - طرح پیشنهادی بخش تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی (۲)

۲-۲-۳. نقد تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی (۳)

درس نخست علوم و فنون ادبی (۳) تا حدودی رویکرد ژانری را رعایت کرده‌است اما همچنان نواقصی دارد. نقصان درس این است که این رویکرد را فقط در بخش نثر قرن های ۱۲ و ۱۳ آورده‌است و قسمت شعر خالی از این تقسیم‌بندی است. از نویسندگان این دوره نیز به نام دو تن یعنی؛ قائم مقام فاهانی و علامه دهخدا اکتفا شده که نسبت به کل درس مقدار ناچیزی

است. مشکل بعدی مربوط می‌شود به درس هفتم این کتاب یعنی تاریخ ادبیات در قرن چهاردهم که منظور دوران معاصر است. حجم بالای این بخش نسبت به سایر بخش‌ها یکی از معضلات است طوری که به تنهایی از این درس می‌توان ۸۵ الی ۱۰۰ سوال طراحی کرد؛ با وجود نپرداختن به خیلی از شاعران و نویسندگان مهم در این بخش باز به دلیل پراکندگی و پرداختن به موضوعاتی که میزان اهمیت‌شان شاید کمتر از سایر بخش‌هاست همچنان معضل فراوانی حجم این درس به چشم می‌خورد. در صورت تقسیم‌بندی مبتنی بر جریان‌شناسی می‌توان تمام شاعرانی که کتاب تنها به نامی از آنها اکتفا کرده است. مانند: پروین اعتصامی، فریدون توللی، محمدحسین شهریار، نادر نادرپور، فریدون مشیری، نصرت رحمانی، فروغ فرخزاد، منوچهر شیبانی، اسماعیل شاهرودی، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، سیاوش کسرای، منوچهر آتشی، پرویز ناتل خانلری، حمید مصدق، مهدی حمیدی شیرازی، هوشنگ ابتهاج، محمدرضا شفیعی کدکنی و... (علوم و فنون ادبی (۳): ۱۴۰۲: ۷۰) نیز پرداخت.

درس اول: تاریخ ادبیات فارسی قرن های دوازدهم و سیزدهم												
شعر	قصیده به سبک خراسانی	مثنوی حماسی به سبک خراسانی	غزل عاشقانه به سبک عراقی	غزل عارفانه به سبک عراقی	اشعار وطنی	نثر	نمایشنامه	داستان	روزنامه	تاریخی	ترجمه	منشآت
درس چهارم: تاریخ ادبیات فارسی قرن چهاردهم (دوره معاصر)												
شعر	شعر سنتی			شعر	شعر نوین							
	رمانتیک	سمبولیک	حماسی		اخلاقی	مقاومت	نیمه سنتی	آزاد	سپید	موج نو		
نثر	رمان	نثر تحقیقی و علمی		نمایشنامه	ترجمه	ادبیات کودک و نوجوان		خاطره				

جدول «۳» - طرح پیشنهادی بخش تاریخ ادبیات علوم و فنون ادبی (۳)

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی بخش تاریخ ادبیات کتاب علوم و فنون ادبی دریافتیم بزرگترین معضل آن عدم توازن بین مطالب مختلف تاریخی-ادبی است. توازنی که گاه مربوط به مباحث کتاب است و گاهی مربوط به حجم کم یا بالای آن؛ به هر حال مهمترین موضوع که باعث نگرارش این مقاله شد مبحث عدم جذابیت یا همان خشکی تاریخ ادبیات مخصوصاً به عنوان یک مطلب درسی است. تقسیم‌بندی مطالب تاریخی-ادبی بر اساس ژانر و جریان‌شناسی این حُسن را دارد که علاوه بر جذابیت تاریخ ادبیات آن را از حالت مطلق حفظی به نیمه حفظی تغییر می‌دهد زیرا اکثر ژانرهای یا در اکثر ادوار تاریخی تکرار می‌شوند و یا دارای نامی غریب و نامعقول نیستند و دانش‌آموزان بارها آن‌ها را شنیده‌اند. از طرفی این طبقه‌بندی فایده بیشتری برای مدرسان و فراگیران دارد زیرا دانستن موضوع آثار ادبی که شاعران و نویسندگان آن‌ها را خلق کرده‌اند بسیار مفیدتر از حفظ نام و زندگی و اثر چند شاعر و نویسنده خواهد بود. البته کتاب کنونی نیز خالی از تقسیم بندی مبتنی بر ژانر نیست زیرا در درس دهم علوم و فنون ادبی (۲) و درس یکم علوم و فنون ادبی (۳) تا حدودی این بحث رعایت شده‌است اما یا در جایگاه خود بیان نشده و یا مربوط به بخش خیلی از کتاب است که باز توازن مطالب را برهم می‌زند و ما می‌خواهیم تمام بخش‌ها طبق این الگو پیش برود.

کتابشناسی

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۴)، *از نیما تا روزگار ما*، تهران: زوار
- آقابابایی، حسن (۱۳۹۹)، «اصول راهنمای کیفیت بخشی به تولید و تدوین کتاب‌های درسی»، *مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش*، بهار شماره ۳، صص ۳۲-۳۸
- بساک، حسن (۱۴۰۱)، *مرجع شناسی و روش تحقیق (۱)*، تهران: پیام نور
- حسین‌پور چافی، علی (۱۳۹۰)، *جریان‌های شعری معاصر فارسی از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب ۱۳۵۷*، تهران: امیرکبیر
- خاتمی، احمد (۱۴۰۰)، *نگاهی به ادبیات معاصر ایران*، تهران: علم
- زرقانی، سید مهدی (۱۴۰۰)، *تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی (۱)*، تهران: فاطمی
- زرقانی، سید مهدی (۱۴۰۰)، *تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی (۲)*، تهران: فاطمی
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۹۸)، *تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی (۳)*، تهران: فاطمی
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۹۸)، *تاریخ ادبیات ایران و قلمرو زبان فارسی (۴)*، تهران: فاطمی
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴)، *چشم‌انداز ادبیات معاصر ایران*، تهران: ثالث
- زرقانی، سید مهدی؛ قربان‌صباغ، محمودرضا (۱۳۹۹)، *نظریه ژانر (نوع ادبی) رویکرد تحلیلی - تاریخی*، تهران: هرمس
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۴۰۲)، *کتاب‌های درسی علوم و فنون ادبی پایه‌های دهم تا دوازدهم*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
- شمیسا، سیروس (۱۴۰۰)، *سبک‌شناسی نثر*، تهران: میترا
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۹)، *تاریخ ادبیات ایران* (تلخیص از دکتر محمد ترابی) - جلد اول، تهران: فردوس
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۲)، *تاریخ ادبیات ایران* (تلخیص از دکتر محمد ترابی) - جلد ۲، تهران: فردوس
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۱)، *تاریخ ادبیات ایران* (تلخیص از دکتر محمد ترابی) - جلد ۳، تهران: فردوس
- صفا، ذبیح‌الله (۱۴۰۰)، *تاریخ ادبیات ایران* (تلخیص از دکتر محمد ترابی) - جلد ۴، تهران: فردوس
- عالی‌عباس‌آباد، یوسف؛ سلیمانی، صدیقه (۱۳۹۸)، *جریان شناسی شعر معاصر ایران*، تهران: پیام‌نور
- فتوحی، محمود (۱۳۸۷)، *نظریه تاریخ ادبیات با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران*، تهران: سخن
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان)* (به کوشش عنایت‌الله مجیدی)؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

گرچی، مصطفی؛ سراج، سیدعلی (۱۳۹۹)، *جریان شناسی نثر معاصر ایران*، تهران: پیام نور
همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۵)، *تاریخ ادبیات ایران* (به کوشش ایراندخت همایی)، تهران: هما
همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳)، *تاریخ مختصر ادبیات ایران* (به کوشش ایراندخت همایی)، تهران:
هما



Critique of the Literary History Section in Textbooks of Literary Sciences and Arts and Proposing a New Framework Based on the Genre and Literary Movements Approach

Amirhossein Jalilian^۱ - *Hassan Shamoradi^۲ - Nasredin Abdullahzadeh^۳

۱. Bachelor's student of Persian Language and Literature Education, Shahid Maqsoodi University, Hamedan, Iran.
۲. Bachelor's student of Elementary Education, Shahid Bahonar University, Arak, Tehran. (Corresponding Author) Email: sh@gmail.com
۳. Master's in Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Article Info (۹۹-۱۱۲)

ABSTRACT

Article type:
Research
Article

Article history:

Received:
۰۹/۱۰/۲۰۲۳

Accepted:
۰۱/۰۱/۲۰۲۴

Keywords:
Literary
History
Literary
Movements
Critique
Balance
Literary Arts

The book on literary sciences and arts is a unique source for teaching Persian literature in the second middle school cycle for disciplines such as literature, humanities, and Islamic sciences and knowledge. As the introductory part of this book, the literary history section is one of the most critical lessons that students sometimes show reluctance to learn due to its high volume, the similarity of some topics, and the memorization nature of the content. Despite simplifying and reducing the volume compared to the old literary history system, the authors of the present book have not addressed some critical issues. This has led to criticism of the book's structure, content, scientific and semantic aspects. A reevaluation and rewriting of the book based on the genre or literary type and literary movements approach is a method that can provide not only ease in learning literary history for students and teachers but also offer valuable content. The current method, which has predominated over the literary history section of textbooks, often focuses more on the biographies and listing of works of poets and writers. It occasionally presents less significant information. The aim of this research, conducted using a descriptive-analytical method and utilizing library sources, is to analyze and critique the literary history section of each book in the three-part series of literary sciences and arts separately. It also proposes a new design for Persian literary history based on the genre (pre-Islamic to the twelfth century) and literary movements (contemporary era) approach. This approach is considered one of the best methods for restructuring the book to address its current challenges. In this article, we first examine, analyze, and critique the content of the literary history sections in the literary sciences and arts textbooks. Subsequently, we present a proposal for restructuring it with a genre and literary movement perspective.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی